

## آشنایی با فرهنگ رفتاری تعارف نزد ایرانیان

محمد دانشگر

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

### مقدمه

یکی از مسائل بسیار مهمی که شناختن آن برای زبان‌آموزان فارسی ضروری می‌نماید تعارف است. غالب فراگیران زبان فارسی و نیز آنها که به نوعی با ایرانیان در ارتباطند در گفتگوهای روزانه مجبورند لغات و تعبیراتی را که بر این اساس در زبان فارسی رایج است به کار برند یا در پاسخ ایرانیان، که براساس تربیت اجتماعی خود، تعبیراتی تعارف‌آمیز به کار می‌برند جواب‌های مناسب بدهند، اما در بیشتر موارد، افزون بر اینکه از پاسخ مناسب فرومی‌مانند شگفت‌زده و متعجب نیز می‌شوند.

امروز نیز یکی از مشکلات فراگیران خارجی زبان فارسی، بی‌توجهی به این مسئله است و لذا در بیشتر موارد، آنان تعارف را دروغ می‌دانند در حالی که پس از توضیحی شایسته، این مشکل به راحتی برطرف می‌گردد. از آنجا که تعارف، رکن و اساس بسیاری از رفتارهای ایرانیان است لازم است این نوع فرهنگ رفتاری شناخته شود و نقادی یکسویه آن با توجه به الفاظ و تعبیرات تعارف‌آمیز فارسی امکان‌پذیر نیست.



یکی از رفتارهای رایج و فراگیر ایرانیان و در عین حال کمتر شناخته شده برای غیرایرانیان تعارف است. تعارف، رکن و پایه فرهنگ ایرانی است؛ باید آن را دقیقاً شناخت و به همین دلیل نقّادی یکسویه آن ممکن نیست. گرچه نمود کامل و بسیار گسترده این رفتار برای دیگران، عمدتاً در چارچوب جمله‌ها و الفاظ بسیار زیادی در زندگی روزمره، ظهور و بروز یافته و در معرض نگاه و داوری دیگران قرار گرفته است. باید به این نکته بسیار اساسی و مهم توجه کرد که عامل اساسی در این زمینه، اصل رفتار و فرهنگی است که باعث به وجود آمدن این همه جمله و تعبیر مختلف و گوناگون در زبان فارسی شده است که یادگیری و به‌ویژه درست به کار بردن آن را برای زبان‌آموزان فارسی بسیار دشوار کرده است. تعارف نوعی فرهنگ رفتاری ویژه و خاص است که براساس باور عامه شکل گرفته، ثابت، جاافتاده و پایدار است و به‌طور کلی این ویژگی‌ها را دارد: برای خوشامد دیگران، احترام گذاشتن به دیگران و مقدم داشتن آنان در کارها.

درباره تعارف نزد ایرانیان، تاکنون کمتر بحث نظری و پژوهشی صورت پذیرفته است؛ به‌ویژه با این رویکرد که تعارف برای ناآشنایان به رفتار و فرهنگ ایرانیان توضیح داده شود. گرچه در این زمینه، ظاهراً معدود مطالبی در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد از جنبه‌های مردم‌شناسی و فرهنگ عمومی عرضه شده است، از جنبه‌های زبانی و نگرش تأثیر این فرهنگ رفتاری در زبان روزمره مردم، اثر مکتوبی به دست نیاوردم. در این زمینه در مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس زبان‌شناسی نظری و کاربردی، مقاله‌ای با عنوان «مقایسه‌ای بین تعارف در فارسی و لیما در چینی» چاپ شده که در واقع، تحقیقی میدانی در خصوص عوامل و وضعیت تعیین‌کننده تعارف فارسی و برخی از کاربردهای زبانی در این زمینه است که بیشتر ناظر به مقایسه آن با لیما در فرهنگ و رفتار مردم چین است که در هر حال کاری به توضیح جنبه‌های مختلف این رفتار ندارد.<sup>۱</sup>

خارجیان با مشاهده رفتار روزمره ایرانیان، به‌ویژه فراگیران زبان فارسی و ناتوانی آنان در درک صحیح برخی از جمله‌ها و تعبیرات رایج تحت تأثیر این رفتار، معمولاً باعث شده است اظهارنظرهای نادرستی در این باره عرضه و نوشته شود که تأثیرات نامطلوبی در پی دارد.

نگارنده با توجه به تجربه خود در تدریس مکالمه و درس «فارسی امروز» به فراگیران زبان و ادبیات فارسی در دوره‌های مختلف دانش‌افزایی برای آنان در داخل و خارج از کشور و

مشاهده داوری نادرست و درک ناصحیح موضوع، بر آن شد تا در این زمینه در حد توان اندک خود، بابتی بگشاید که ضمن طرح مسئله، برخی نکات را بازگوید؛ به این امید که علاقه‌مندان و پژوهشگران با بذل توجه به موضوع، ضمن بیان اشکالات، آن را کامل کنند تا در آینده به خواست خداوند شاهد ارائه مباحث نظری مختلف در این زمینه باشیم؛ به‌خصوص پس از مطالعه بسیاری از سفرنامه‌های خارجیان و نادرستی اظهارنظر و برداشت آنان متوجه شدم که طرح مباحث اساسی در این زمینه برای خارجیان، بسیار ضروری است؛ زیرا آنان با مراجعه به این آثار در منابع خود نه تنها به نادرستی داوری خود پی نمی‌برند بلکه با درک نکردن صحیح و فهم نادرست تعبیرات و اصطلاحات فراوان رایج در زبان از درست و کامل فهمیدن کاربرد این تعبیرات - در آثار مکتوب و شفاهی - باز می‌مانند. بر آنچه گفته شد این نکته را باید افزود که فراگیران زبان و ادب فارسی و علاقه‌مندان به فرهنگ ایران زمین و خارج از کشور مایل‌اند برای آشنایی عمیق‌تر در این زمینه به فعالیت‌های پژوهشی بپردازند که متأسفانه این مباحث هم کمتر در حوزه نظری با روشی علمی مورد بحث و کاوش قرار گرفته است. امید است تدوین این مقاله بتواند فتح بابی در این خصوص باشد.

در این مقاله، ابتدا تعارف در لغت و اصطلاح با استفاده از فرهنگ‌های مختلف (قدیمی و جدید) و معتبر بیان می‌شود. پس از آن، ضمن نقد برخی تعاریف‌ها به این مسئله می‌پردازیم که با مراجعه به کتاب‌های لغت برای فراگیران زبان فارسی و ناآشنایان با این فرهنگ رفتاری، مشکل آنان برطرف نمی‌شود، بلکه به‌نظر می‌رسد در بیان تعریف تعارف با توجه به رواج این رفتار در میان ایرانیان و مشاهده مصداق‌های آن در زندگی روزمره، دقت نظری صورت نگرفته و عمدتاً به بیان وجهی از وجوه تعارف بسنده شده و معنای آن در فرهنگ‌ها از این نظر ناقص است.

ملاحظه اجمالی برخی از آثار مسافران ایران و برداشت‌های آنان متناسب با میزان آشنایی آنها با زبان و ادبیات و فرهنگ فارسی و ایرانی، نشان می‌دهد که آنان در این زمینه، نوشته‌ها و خاطرات جالب و قابل‌اعتنایی بر جای گذاشته‌اند که نقل تعدادی از آنها پایان‌بخش مقاله خواهد بود.



## تعارف در لغت

این کلمه، مصدری عربی و به معنای یکدیگر (همدیگر) را شناختن و شناختنِ دو نفر همدیگر را آمده است (غیاث‌اللغات، آندراج، منتهی‌الارب، ناظم‌الاطبا، فرهنگ نظام و فرهنگ فارسی معین).

## تعارف در اصطلاح

مفهوم اصطلاحی این کلمه در فرهنگ‌ها به صورت‌های مختلف و بسیار متفاوت آمده است که به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

- خوشامد گفتن به یکدیگر، احوالپرسی کردن از یکدیگر، تکلف و اسباب ضیافت فراهم کردن، دعوت به ضیافت، پیشکش دادن، هدیه، اغراق در ادای احترام و سایر تشریفات به حدی که اسباب ناراحتی طرف مقابل را فراهم سازد (فرهنگ لغات عامیانه و معاصر).

- دعوت یا پیشنهاد کسی را نپذیرفتن، میوه و شیرینی جلوی کسی گرفتن، از باب احترام به کسی پیشنهاد کردن که بنشیند؛ که جلو بیفتد؛ که بخورد؛ که مهمان شود (فرهنگ الفبایی - قیاسی زبان فارسی).

- هدیه و پیشکشی، خوشامدگویی و حالپرسی متکلفانه در ابتدای دیدار، تکلفات رسمی دور از صمیمیت و یکرنگی، دعوت کسی به ورود در خانه خود، دعوت وی مثلاً به نشستن در صدر مجلس، اصرار وی به خوردن و نوشیدن و جز اینها (کتاب کوچک، ج ۹).

- خواستن از کسی، همراه با ادب و معمولاً به اصرار که عملی را انجام دهد یا دعوتی را بپذیرد. خودداری کردن از قبول دعوتی یا چیزی معمولاً علی‌رغم میل باطنی، بر زبان آوردن جملاتی همراه با ادب و احترام برای خوشایند مخاطب یا خوشامدگویی یا احوالپرسی، رعایت آداب و رسوم، رعایت تشریفات و بالاخره آنچه به‌عنوان هدیه، سوغاتی یا رشوه به کسی می‌دهند (فرهنگ بزرگ سخن، ج ۳).

در یک جمله می‌توان گفت این مفاهیم برای تعارف درست است یا به عبارت دیگر با نگاهی مختصر به رفتار ایرانیان می‌توان فهمید که همه اینها به نوعی، برخی از جنبه‌های تعارف را نشان می‌دهد؛ اما این مفاهیم و معانی رساننده مفهوم کامل تعارف نیست.

پیش از توضیح کامل‌تر مناسب است ساختارها و شکل‌های دیگر این کلمه را همراه با معانی آنها ذکر کنیم. تعارف به صورت فعل مرکب، اسم، صفت، قید و به شکل‌های ذیل به کار می‌رود:

**بی تعارف بودن:** بی تکلف و صمیمی بودن و برای برخورداری از مهمان‌نوازی میزبان، نیاز به ترغیب و اصرار او نداشتن (کتاب کوچک، ج ۹).

**تعارف دادن:** مصدر مرکب، تعارف فرستادن، هدیه و پیشکش فرستادن و دادن، پیشکش کردن هدیه (لغتنامه دهخدا)، فرهنگ فارسی معین، فرهنگ فارسی امروز، فرهنگ لغات عامیانه و معاصر، فرهنگ فارسی عامیانه، جلد ۱ و فرهنگ الفبایی - قیاسی فارسی).

**تعارف داشتن:** تشریفات و مراسم را رعایت کردن، صمیمی و خانه خودی نبودن، برای برخورداری از پذیرایی میزبان، نیازمند تعارف و دعوت وی بودن (فرهنگ فارسی امروز و کتاب کوچک، جلد ۹).

**تعارف فرستادن:** مصدر مرکب، تعارف دادن (لغتنامه دهخدا).

**تعارف کردن:** خوشامد گفتن، خدمتی یا چیزی را به صورت مجانی به کسی عرضه کردن، با حالت ادب، چیزی را جلوی کسی گرفتن تا او بردارد، هدیه، سوغاتی یا رشوه دادن (فرهنگ فارسی امروز، فرهنگ بزرگ سخن، جلد ۳).

**تعارف نداشتن:** صمیمی و خودی و یگانه بودن، به تعارف و پیش آوردن، نیرزیدن؛ ناچیزتر از آن بودن که ارزش تعارف پیش آوردن و ترغیب داشته باشد (کتاب کوچک، جلد ۹).

**تعارفی:** کسی که بیش از حد اهل تکلف و تعارف است؛ قابل پیشکشی؛ در حشر و نشر با مردم، بیش از حد به رعایت آداب و تعارف و تکلفات پردازد؛ مبادی آداب، هر آنچه به رسم هدیه آرند یا فرستند؛ که رفتار صمیمانه ندارد و اهل تعارف است؛ که مدام به میهمان می‌پردازد و دم به دم او را به خوردن چیزها ترغیب می‌کند یا از نامطبوع بودن غذا عذر می‌خواهد و از ناقابل بودن خانه سخن می‌گوید؛ ویژگی آنکه گرایش افراطی به تعارف دارد (فرهنگ لغات عامیانه و معاصر، فرهنگ فارسی عامیانه، جلد ۱، فرهنگ فارسی امروز، کتاب کوچک، جلد ۹ و فرهنگ بزرگ سخن، جلد ۳).



تعارفاتی: (صفت) دارای عادت یا گرایش به پیروی از تعارفات (کتاب کوچه، جلد ۹).  
 تعارف تگه پاره کردن: تعارف کردن به صورتی که بیش از اندازه، غیرصمیمانه یا مبالغه‌آمیز باشد  
 (فرهنگ بزرگ سخن، جلد ۳).  
 تعارف کنان: در حال تعارف کردن (همان).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود بیشتر معناها تکراری، و در واقع، بیان یک چیز است؛ جز اینکه در برخی فرهنگ‌ها توضیح گونه‌ای برای آشکار شدن بیشتر مفهوم به آن افزوده‌اند. با نگاهی عمیق‌تر درمی‌یابیم که برخی از معانی، گاهی مقابل مفاهیم دیگر است؛ به عبارت دیگر، وقتی برای رساتر کردن مفهوم، باید جنبه‌های مختلف اصلاح و تعبیر را کامل کرد، نتیجه، خواه ناخواه چنین می‌شود که جایی، تعارف کردن و تعارفی و تعارفات، خالی از صمیمیت و برای تظاهر و بیشتر در ظاهر، نشان دادن عمل، معنا، و در فرهنگی دیگر، ابراز صمیمیت و دوستی بیشتر در توضیح آن آورده شده است. اینجاست که مراجعه فراگیران فارسی به این فرهنگ‌ها مشکل آنان را برطرف نمی‌سازد. برای روشن‌تر شدن مفهوم اصلی تعارف، توجه به نکات ذیل بسیار مهم و راهگشاست:

۱- آنچه در ذیل تعارف و مشتقات و ترکیبات آن آمده، در واقع، درجه‌ها و مرتبه‌های مختلف یک رفتار است؛ به عبارت دیگر، مفاهیم نقل شده کاربردهای متفاوت همان رفتار است؛ منتها در موقعیت‌های گوناگون و برای مخاطبان مختلف. برای درک کامل‌تر این سخن، لازم است زبان‌آموز، همزمان، اصطلاحات «خودمانی»، «رودرواسی داشتن» یا «نداشتن»، «رسمی بودن» یا «نبودن» را نیز دریابد تا کاملاً آگاه شود که هرگاه مجلس، خودمانی یا میزبان بدون رودرواسی بود، تعارف، شکل و جنبه دیگری به خود می‌گیرد اما اگر مخاطب، رسمی بود میزبان با مهمان رودرواسی داشت و آنان هنوز با هم خودمانی نشده بودند، طبیعتاً شکل و تعبیرهای تعارف و رفتارهای مربوط به آن وضعیت نیز کاملاً متفاوت خواهد شد.

۲- اصولاً تعارف با شکل‌ها و جنبه‌ها و بروزهای گوناگون و مختلفش، نوعی رفتار در کنار سایر رفتارهای جمعی و فردی ایرانیان است. توجه به این نکته می‌تواند پاسخگوی بسیاری از سؤال‌ها و ابهام‌های زبان‌آموزان خارجی باشد. برای تکمیل این سخن باید افزود که تعارف در زندگی اجتماعی و روزمره بسیاری از غیرایرانیان، جایگاهی ندارد و برای آنان شناخته شده نیست. آنان اگر

چیزی را بخواهند، همان را بی‌کم و کاست می‌گویند؛ اگر هم نخواهند با یک بار گفتن، شنونده یا میزبان، آن را کاملاً درک و بر همان اساس رفتار می‌کنند. اما نزد ایرانیان و ساکنان برخی از کشورها (مانند بعضی از کشورهای عربی یا شبه‌قاره با اندکی اختلاف در نوع رفتار) این‌گونه نیست. میزبان همیشه نمی‌تواند به‌صراحت عنوان کند که در حال حاضر آمادگی پذیرایی از مهمان را ندارد، مهمان انتظار دارد یا به‌دیگر سخن، این‌گونه تربیت شده است که در مرتبه اول و گاهی دوم، آنچه را می‌خواهد بیان کند یا برعکس، آنچه را نمی‌خواهد با دو یا سه بار گفتن مطرح کند (به‌ویژه اگر مقداری از تهران و شهرهای بزرگ فاصله بگیریم). اصرار یا جدیت در وادار کردن مخاطب یا مهمان به انجام دادن کاری، عادی و معمولی است. طبیعی است که این نوع رفتار در ساختمان زبان روزمره و گفتگوی مردم تأثیر داشته و تعبيرات و کلمات و اصطلاحاتی را وارد و ایجاد کرده باشد که به‌کار بردن آنها و فهمیدن و درک کردن معنا و مفهوم درست آنها در گرو درست درک کردن آن رفتار است. خلاصه اینکه تعارف کردن در هر حال، صرف‌نظر از هر معنایی که برای آن مطرح کنیم، نوعی رفتار است که در شئون مختلف زندگی ایرانیان از دیرباز وجود داشته است و امروزه نیز کاربرد فراوان و عمومی دارد. هنگامی که فارسی‌آموز خارجی در خیابان از مغازه‌ای خرید می‌کند و قیمت جنسی را می‌پرسد، فروشنده از روی عادت به همان رفتار می‌گوید: «قابلی ندارد، مهمان باشید». زبان‌آموز با توجه به ترجمه جمله به زبان خود، بسیار خوشحال و شگفت‌زده می‌شود که چرا مغازه‌دار می‌خواهد جنس خود را به رایگان به او بدهد. رویه دیگر رفتار برای او این است که برای پرسیدن قیمت هر جنس یا در صورت شنیدن چنین جمله‌هایی، باید سؤال خود را دوباره تکرار کند و تازه این می‌شود آغاز کار و پس از آن نوبت به چانه زدن می‌رسد. در همین وضعیت رفتاری، وقتی کسی به او می‌گوید: «بی‌تعارف می‌گم»، او حق دارد داوری کند که تعارف دروغ است و حتی «بی‌تعارف» یعنی حقیقتاً و واقعاً؛ آنچه بارها در کلاس زبان‌آموزان مطرح کرده‌اند. وقتی هم درباره اصل تعارف سؤال شود آنان به‌راحتی پاسخ می‌دهند که تعارف یعنی دروغ؛ درحالی که همگان می‌دانند تعارف دروغ نیست؛ گرچه در مواردی ممکن است به این شکل هم بروز کند.



۳- با توجه به تأثیر جدی و زیرساخت اساسی‌ای که تعارف در فرهنگ و رفتار ما به‌وجود آورده است، تکرار در سخن، بی‌معنا بودن برخی جمله‌ها و تعبیرها؛ در معنای دقیق خود به‌کار نرفتن بعضی از کلمه‌ها و ... در زبان روزمره مردم، عادی و معمولی می‌شود که به تعبیری دیگر، نتیجه همه به یک نکته برمی‌گردد: اینکه گویا تاکنون سخنی ادا نشده است و دو طرف گفتگو، هنوز مقصود و مفهوم ذهن خود را، آن‌گونه که باید، به دیگری منتقل نکرده‌اند. بفرما گفتن‌های ما در طول روز و هنگام برخورد به دوستان و آشنایان دروغ نیست، بلکه ناشی از همان نوع رفتار و فرهنگی است که شرح داده شد.

برای تکمیل این قسمت از بحث می‌توان افزود که در اینجا تعارف در زبان، حکم مجاز را در ادبیات دارد. همان‌گونه که ادبیات فارسی سرشار از کاربرد استعاره، کنایه، تشبیه و گونه‌های مختلف مجاز است و در واقع، کلمه‌ای یا تعبیری به‌جای مفهوم یا کلمه‌ای دیگر به‌کار می‌رود و بر لطف و غنا و گستردگی و جذابیت آن می‌افزاید، در زبان نیز بسیاری از تعارف‌ها همین حکم را دارد. به‌طور خلاصه می‌توان گفت:

- تعارف نزد ایرانیان، نوعی فرهنگ و رفتار است که جنبه‌های مختلف و متعدد و گوناگون دارد.  
- موقعیت‌های مختلف مخاطب و رویارویی هر فرد با دیگری است که در واقع، شکل‌ها و جنبه‌های گوناگون را با تعبیرات و کلمه‌های خاص هریک نشان می‌دهد؛ پس باید این شکل‌ها و موقعیت‌ها را شناخت تا در عمل مشکلی به‌وجود نیاید.

- همان‌گونه که کاربرد مجاز در ادبیات باعث لطافت، گستردگی، تنوع و جذابیت مضمون‌ها شده، راه یافتن مجاز به زبان روزمره نیز به گستردگی کلمات و تعبیرات انجامیده است. به همین دلیل، نمی‌توان انتظار داشت که الفاظ در این زمینه، دقیقاً در برابر مفاهیم واژگانی خود به‌کار رود و همان انتظارات را برآورده سازد. تأثیر این عامل مهم در عرف و رفتار و فرهنگ ایرانیان، به تدریج، مجال‌پیدایی ضرب‌المثل‌هایی شده است از این قبیل:

تعارف، آمدونیامد دارد: شایدگمان کرده بودید که مهمان، احسان شما را نمی‌پذیرد، اما پذیرفت. مثل را در موردی زنند که خواننده و دعوت‌کننده به دروغ و ریا به اصرار، هدیه یا دعوتی را



پیشنهاد می‌کند به گمان آنکه دعوت‌شونده از قبول آن سر باز خواهد زد، ولی در عمل خلاف این فکر پیش می‌آید (لغتنامهٔ دهخدا به نقل از امثال و حکم).  
 تعارف شاه عبدالعظیمی (شابدوالعظیمی): کنایه از تعارف پوچ و دروغین (فرهنگ فارسی امروز)، تعارف ظاهری و غیرحقیقی، تعارف سرزبانی، تعارف توخالی (فرهنگ فارسی عامیانه، جلد ۱)، کنایه از تعارف زبانی و غیرجدی (فرهنگ لغات عامیانه و معاصر)، دعوت و تعارفی که از روی زبان باشد نه از دل (فرهنگ عوام، امیرقلی امینی)، تعارف سرزبانی و ظاهری (قند و نمک، ص ۲۰۹)، اینکه به زبان می‌گوید به منزل من آید یا فلان متاع از شما باشد و از دل راضی نیست (لغتنامهٔ دهخدا به نقل از امثال و حکم)، شاملو نیز در این باره توضیحی آورده که برای پرهیز از اطالۀ کلام از درج آن خودداری می‌شود (ر.ک. به: کتاب کوچه، جلد ۹).

#### چند نکته و ملاحظهٔ اساسی

- ۱- اصولاً در به‌کار بردن و استفاده از الفاظ و تعبیرات مؤدبانه و تعارف‌آمیز، شخصیت‌گوینده از نظر آشنایی به آداب اجتماعی، نوع تربیت خانوادگی و وضعیت اخلاقی و ویژگی روانی فرد مانند بیش از اندازه محجوب یا خجالتی بودن یا نبودن، سرزبان‌دار بودن و میزان توانایی وی در برقراری ارتباط اجتماعی، نقش بسیار اساسی و مؤثر دارد.
- ۲- در برخی از موارد مشاهده می‌شود که حتی بین دو نفر یا دو خانواده که رودرواسی ندارند باز جنبه‌هایی از تعارف به‌چشم می‌خورد. در واقع باید گفت که در بررسی دقیق‌تر، رودرواسی داشتن با تعارفی برخورد کردن دقیقاً برابر و معادل نیست؛ گرچه به هم بسیار نزدیک است.
- ۳- عوامل مؤثر در کاربرد تعارف فقط به چهار عامل سن، تحصیلات، شغل و سرمایه، محدود نمی‌شود. عوامل دیگری مانند تفاوت‌های فردی، فرهنگی، اقتصادی و محیطی افراد و نیز مذهب و جنسیت در بروز و چگونگی استفاده از تعارف، مؤثر است.
- ۴- پابندی به تعارف و رعایت جنبه‌های گوناگون آن در بین قشرهای مختلف، اقوام و طوایف گوناگون، ساکنان استان‌ها و شهرها و روستاهای مختلف کشور، دقیقاً یکسان نیست؛ به عبارت



دیگر، جلوه و بروز و ظهور و نمود تعارف و پدیده‌های مرتبط با آن در فرهنگ‌های جزئی‌تر- یا به تعبیری خرده فرهنگ‌ها- نمایش متفاوتی از خود ظاهر می‌سازد.

۵- هرچه از نظر زمان به جلو می‌آییم، رعایت تعارف ضعیف‌تر و کمرنگ‌تر می‌شود و به همین دلیل، الفاظ و تعبیرات برخاسته از تعارف نیز کمتر بر زبان مردم جاری می‌شود. این مسئله در شهرهای بزرگ‌تر، خود را بیشتر نشان می‌دهد.

۶- چنین به نظر می‌رسد که میان تعارف با ادب نیز در عین ارتباط، حد و مرزی وجود دارد؛ به عبارت دیگر، می‌توان مؤدب بود اما تعارف هم نکرد. پس این دو اصطلاح نیز با یکدیگر تفاوتی دارد. روشن ساختن دقیق نوع تفاوت آنها به پژوهش‌های میدانی نیاز دارد.

در این قسمت به عنوان حسن ختام مقاله و نیز روشن شدن تفاوت دیدگاه و برداشت مسافران ایران در داوری و ارزیابی تعارف و تعبیرهای تعارف‌آمیز، برخی از نوشته‌های آنان نقل می‌شود. امروز نیز کم و بیش همین داوری‌ها وجود دارد: «اصطلاحات مربوط به ادب و احترام، بیشتر چاپلوسانه است تا اغراق‌آمیز و این نوع تعارف از مختصات اخلاقی ایرانیان است. نخستین جمله‌هایی که با آنها خوشامد می‌گویند چنین است: منزل خودتان است، خانه من متعلق به سرکار است، نوکر شما هستم، در خدمت حاضریم. اما اگر کسی که مورد این ملاطفت‌ها و تواضع‌ها قرار می‌گیرد، حتی یک لحظه بخواهد آنها را به مرحله عمل درآورد و در معرض آزمایش گذارد به سختی یکه خواهد خورد. تازه این تعارفات، مقدمه کثیری تعارفات دیگر است که در مدت دیدار بین طرفین رد و بدل می‌شود ... بعد از آنکه احوالپرسی و دماغ چاقی به صورت‌های مختلف رد و بدل شد، میزبان و مهمان، هریک احساسات خود را نسبت به دیگری ابراز می‌کند و می‌گوید: خداوند سایه شما را از سر ما کم نکند. پس از اتمام تعارفات، گفتگویی پوچ و بی‌معنا آغاز می‌شود و باز هم تعارفات را از سر می‌گیرند ... به نظر می‌آید که این همه تعارفات مکرر، کسی را بی‌حوصله و خسته نمی‌کند».<sup>۲</sup> داوری این مسافر درباره تعارف این است که آن را چاپلوسانه می‌داند در عین حال، خود نیز می‌افزاید که اگر کسی بخواهد آنها را به مرحله عمل درآورد به سختی یکه خواهد خورد. ولی می‌داند که این جمله‌ها کسی را خسته نمی‌کند.

«زمانی که پسران، بزرگ‌تر می‌شوند با پدرشان به دیدار دوستان او می‌روند. بسیاری از تعارف‌ها را به‌سرعت می‌آموزند: سایه‌عالی کم مباد، دستتان درد نکند، لطف عالی کم نشود. آداب معاشرت و رعایت آنها را فرا می‌گیرند؛ از جمله می‌دانند کجا باید بنشینند، چه بگویند و هنگام بیرون رفتن از در، نخست پای راست و آنگاه پای چپ را در کفش کنند».<sup>۳</sup>

«امروز وقتی که شما با پنجاه نفر ایرانی صحبت می‌کنید ملاحظه می‌نمایید که همگی مخلص و دوست و حتی بنده و چاکر شما هستند، ولی همین که پشت کردید اگر به شما ناسزا نگویند، قطعاً احساسات خوبی نسبت به شما ندارند. این موضوع همواره یکی از نکات مورد توجه اروپاییان بوده که نمی‌دانستند چگونه با این ملت رفتار کنند».<sup>۴</sup> اینکه اروپاییان همواره به‌دلیل تعارف، طرز رفتار درست با ایرانیان را نمی‌دانسته‌اند ناشی از همین مسئله بسیار مهم است که می‌خواهند تمام جمله‌ها و کلمه‌ها را به زبان خود عیناً ترجمه کنند بدون اینکه درک درستی از روح حاکم بر این رفتار داشته باشند. آنان باید این نکته بسیار مهم را دریابند که این جمله‌ها نشان‌دهنده فرهنگ و خلق و خوی رفتاری است نه صرفاً جمله‌ها و تعبیرهایی که هرکدام، معنا و مفهوم خاصی در معادل خود داشته باشد.

«در همه‌جا مهمان‌نوازی ایرانی‌ها در حد کمال بود. در همان حدی که در افسانه‌ها نقل شده. در ایران حتی اگر غذایی را که یک رهگذر به شما تعارف می‌کند رد کنید او دلشکسته می‌شود، وقتی من با کاروان مسافرت می‌کردم و در بین راه توقف می‌کردیم جاهایی که هیچ‌کس وظیفه نداشت با من مثل یک مهمان رفتار کند، من همیشه آثار این شیوه زیبا و پسندیده ایرانی را می‌دیدم. مردم همسفر من هرچه را که به همراه داشتند به من تعارف می‌کردند و آنها که خیلی فقیر بودند قطعه‌ای گوشت خشک یا کمی شیر شتر به من می‌دادند که بو و طعم بسیار بدی دارد اما بسیار مغذی است».<sup>۵</sup> ملاحظه می‌شود که ناآشنایان هم به این مسافر ایران، چنان تعارف و مهربانی می‌کردند که او را شگفت‌زده کرده است.

«فرش‌ها آنقدر نفیس بودند که جلوی اتاق برخلاف عادت و سنت اروپایی‌ها کفش‌های خود را می‌کنندیم و بعد وارد می‌شدیم و کدخدا که مرد فوق‌العاده مؤدب و خوش تعارفی بود می‌گفت: نه، خواهش می‌کنم در نیاورید و به فرش‌های ما افتخار بدهید که خاک کفش‌های شما



را بخورند و گاهی هم می‌گفت: با کفش بفرمایید. در سایه دوستی، گرد و خاک کفش تبدیل به طلا می‌شود».<sup>۶</sup>

«در آنجا مرد موقری با ریش سیاه بلند و در حدود چهل ساله جلو آمد و پس از سلام خود را معرفی کرد. او کدخدای ده بود و آن خانه و باغ هم متعلق به او بود. او با تعارفات معمول: خوش آمدید، چقدر زحمت کشیدید، چقدر به ما افتخار دادید و خانه من متعلق به خودتان است، ما را دعوت به ورود به خانه خود کرد و یک طبقه از خانه دو طبقه خود را در اختیار ما گذاشت».<sup>۷</sup>

«هنگام گفتگو، کلمات مؤدبانه و متواضعانه‌ای به کار می‌برند؛ برای مثال، هنگامی که کسی را درون خانه خود دعوت می‌کنند می‌گویند: خانه ما را منور فرمودید، قربان شما، خاک پاتم، چشمم کف پایت و ... ایرانیان مانند فرانسوی‌ها و حتی بیشتر از آنان می‌دانند که چگونه الفاظ را بیاریند و خوشامد گویند ولی این تعارفات اکثراً توخالی و پوچ‌اند».<sup>۸</sup> چرا ال‌تاریوس می‌گوید که این تعارفات اکثراً توخالی و پوچ است، چون او جمله‌های تعارف‌آمیز را به زبان خود ترجمه می‌کند و مفهوم آنها را بسیار فراتر از ادراک خود می‌یابد، لذا نمی‌تواند جز این داوری کند.

«... ولی این نکته را هم باید متذکر بود که مردم ایران به‌طور کلی اهل تعارف و مجامله هستند و اگر هم به نوشتجات فلان نویسنده اعتراضی داشته باشند، هرگز در حضور او ایرادات و انتقادات خود را به زبان نمی‌آورند».<sup>۹</sup>

«خانم (مادر ناصرالدین‌شاه) مقدار زیادی حرف‌های دوستانه به من تحویل داد که پر از جملات تعارف‌آمیز مخصوص ایرانی‌ها بود؛ از جمله آرزو کرد که همیشه دماغ من چاق باشد و قلب من هیچ‌وقت نازک نشود و ...».<sup>۱۰</sup> ملاحظه می‌شود که تعبیر دماغ‌تان چاق است و اصطلاحاتی نظیر آن با شگفتی به معنای ظاهری آن حمل شده است.

«میرزا مسعود، وزیر خارجه و دو یا سه نفر اعیان که در این ملاقات حاضر بودند ایستادند. کنت سیموئیچ از او سؤال کرد: دماغ شما چاق است؟ این جمله عجیب که در میان اعیان ایران معمول است به نظر می‌رسد که ایرانی‌ها اهمیت خاصی به این عضو می‌دهند. اعتراف می‌کنم مدت‌ها در جستجوی اصل و مفهوم این جمله تعارف‌آمیز، وقت صرف کردم بدون اینکه

هیچ وقت به توضیح قانع کننده‌ای برسیم.<sup>۱۱</sup> این مسافر ایران، صادقانه اعتراف می‌کند که در مفهوم این جمله، توضیح قانع کننده‌ای نشنیده است. نظیر همین اعتراف و سؤال را امروز نیز فراگیران زبان و ادبیات فارسی (استاد و دانشجو) همچنان بر زبان می‌آورند و لذا جا دارد که در این باره، کارهای بیشتری عرضه شود.

«... درحالی که ما غذای ساده‌ای را که از نان و دوغ تشکیل می‌شد صرف می‌کردیم، چشمانی بسیار گرسنه ما را نظاره می‌کرد. وقتی انسان به این صحرانشینان فقیر، که جیره غذایی روزانه آنها قطعه نان کوچکی بود، غذایی تعارف می‌کرد، رفتاری ساده و غرورآمیز و قابل ستایش داشتند. چیزی را که به زن‌ها تعارف می‌کردیم هیچ گاه نمی‌خوردند و به مردان و بچه‌های خود می‌دادند.»<sup>۱۲</sup>

«ایرانی‌ها مردمی بانزاکت و مبادی آداب هستند، با اینکه به گمان من میرینج (حاکم وقت اصفهان) ترک تبار است ولی در تعارف و آداب‌شناسی، دست کمی از ایرانی‌ها ندارد. او با فروتنی تمام می‌گفت: منزل بنده را با نور قدوم خود منور فرمودید و سال‌های متمادی لذت این شرفیابی را فراموش نمی‌کنم.»<sup>۱۳</sup>

«... وارد هر کجا که می‌شدیم و در هر جا که بودیم استقبال مردم، همیشه گرم بود و با مهربانی، پذیرایی می‌شدیم، مهمان‌نوازی ایرانیان ضرب‌المثل است و باید جداً قبول کرد که می‌گویند: شما مهمان عزیز ما هستید.»<sup>۱۴</sup>

«ایرانیان در تملق ید طولایی دارند و اگر در چاپلوسی اندکی بی‌آزم هستند در عوض با مهارت و صنعت خاصی، مقصود خود را به طرف، القا و تلقین می‌کنند. فی‌المثل اظهار می‌دارند آنچه بر زبانشان می‌گذرد عین مطلبی است که در دل دارند و در این مورد سوگند یاد می‌کنند ولی مع‌هذا به محض اینکه از این ملاطفت که برای جلب نفع یا نظر دیگر صورت گرفته، لحظه‌ای می‌گذرد، مشاهده می‌شود که تمام این تعارفات یا به اصطلاح خودشان، تواضعات، مطلقاً عاری از حقیقت و دور از صحت بوده است.»<sup>۱۵</sup>

گرچه شاردن، مدت نسبتاً زیادی در میان ایرانیان به سر برده و اطلاعات بسیاری را در مجموعه آثار خود به یادگار گذاشته است با کمال تأسف مشاهده می‌شود گاهی به دلیل ناآگاهی



یا علت دیگر، داوری‌های بسیار ناشیانه یا مغرضانه دارد. در این داوری نیز مشهود است که او می‌خواسته تعارف را جدی قلمداد کند و چون برخلاف نظر او درآمده، بدون اینکه بتواند آن را کاملاً درک کند این‌گونه داوری کرده است.

«ملاقات، کار مشکلی است؛ زیرا که عادات مخصوص و تعارفات معلوم دارد؛ چنان‌که ایران همیشه در این باب مشهور بوده است. در وقت ملاقات، ایرانیان، تعارفات را به منتهای ظرافت می‌رسانند و این یکی از تعلیمات و فرائض شخص ایرانی است که کم‌کم، عادت و طبیعت ثانوی می‌شود».<sup>۱۶</sup>

### نتیجه

یکی از مسائل بسیار مهم و قابل اعتنا در مواجهه غیرایرانیان با ایرانی‌ها فهم تعارف و آشنایی با روح حاکم بر این رفتار است. چنین رفتاری، منشأ به‌وجود آمدن جمله‌ها و تعبیرهای فراوانی در گفتگوهای روزمره شده است.

غالب فراگیران زبان فارسی و نیز مسافران ایران از آنجا که خواسته‌اند این جمله‌ها و تعبیرها را به زبان خود ترجمه کنند با شگفتی در برابر مفاهیم آنها در مانده و از درک درست و صحیح این جمله‌ها باز مانده‌اند. در این مقاله، ضمن نقل برخی از داوری‌های مسافران ایران که تا حدودی ناشی از همین ناآگاهی است تعاریف لغوی و اصطلاحی تعارف نقد و بر این نکته تأکید شده است که تعارف در فرهنگ ایرانی نوعی رفتار و خلق و خوی جمعی است که برخی از نمودهای آن از نظر زبانی به‌کارگیری جمله‌ها و تعبیرات روزمره است و لذا آنچه مهم است این است که از این دیدگاه به مسئله تعارف و بازتاب‌های گونه‌گون آن به‌ویژه در زمینه جمله‌ها و تعبیرهای رایج روزمره نگرینسته شود.

### پی‌نوشت‌ها

۱. عسجدی، مینو، مقایسه‌ای بین تعارف در فارسی و لیما در چینی.
۲. سرنا، کارلا، مردم و دیدنی‌های ایران، ص ۵۵-۵۷.
۳. کولیور رایس، کلارا، زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان، ص ۹۹.



۴. گوینو، کتدو، سه سال در ایران، ص ۱۰.
۵. نوردن، هرمان، زیر آسمان ایران، ص ۴۷.
۶. بروگش، هنریش، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ص ۲۸۷.
۷. همان، ص ۲۸۵.
۸. الثاریوس، آدام، سفرنامه الثاریوس، ص ۳۰۷.
۹. دانش پژوه، منوچهر، سفرنامه ... تاپخته شود خامی، جلد دوم، ص ۱۳۸۰، به نقل از سفرنامه ویلسن.
۱۰. شیل، لیدی، خاطرات لیدی شیل، ص ۷۲.
۱۱. سولتیکف، الکسیس، مسافرت به ایران، ص ۸۰.
۱۲. گابریل، آلفونس، عبور از صحاری ایران، ص ۳۵۲.
۱۳. بیشوب، ایزابلا، از بیستون تا زردکوه بختیاری، ص ۳۱.
۱۴. غلامحسین زاده، غلامحسین، ایران از نگاه فارسی‌آموزان خارجی، ص ۴۴.
۱۵. شاردن، ژان، سیاحت‌نامه شاردن، جلد چهارم، ص ۱۵۱.
۱۶. ساموئل گرین، بنجامین، ایران و ایرانیان، ص ۱۵۰.

### منابع

- الثاریوس، آدام، سفرنامه الثاریوس (بخش اول)، ترجمه احمد بهیور، سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار، ۱۳۶۲.
- امینی، امیرقلی، فرهنگ عوام یا تفسیر امثال و اصطلاحات زبان پارسی، مؤسسه مطبوعاتی علی‌اکبر علمی، اصفهان، ۱۳۵۲.
- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ۸ جلد، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۱.
- بروگش، هنریش، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ترجمه مهندس کردیچه، تهران، مؤسسه اطلاعات، ۱۳۶۷.
- بنجامین، ویلر و ساموئل گرین، ایران و ایرانیان، خاطرات و سفرنامه، به اهتمام و یادداشت رحیم رضازاده ملک، نشر گلبانگ، ۱۳۶۳.
- بیشوب، ایزابلا، از بیستون تا زردکوه بختیاری، ترجمه مهتاب امیری، تهران، نشر سهند و نشر آزان، ۱۳۷۵.
- ثروت، منصور و رضا انزابی نژاد، فرهنگ لغات عامیانه و معاصر، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۷۷.
- دانش پژوه، منوچهر، سفرنامه ... تاپخته شود خامی، دو جلدی، تهران، نشر ثالث، ۱۳۸۰.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۰.
- رامپوری، غیاث‌الدین محمد، غیاث‌اللغات، به کوشش منصور ثروت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- سرن، کارلا، مردم و دین‌های ایران، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳.
- سولتیکف، الکسیس، مسافرت به ایران، ترجمه محسن صبا، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
- شاردن، ژان، سیاحت‌نامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، ۴ جلد، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۰.
- شاملو، احمد، کتاب کوچک، جلد ۹، تهران، انتشارات مازیار، ۱۳۷۹.
- شهری، جعفر، قند و نمک (ضرب‌المثل‌های تهرانی به زبان محاوره)، تهران، انتشارات معین، ۱۳۷۹.
- شیل، مری، خاطرات لیدی شیل، ترجمه حسین ابوترابیان، چاپ دوم، تهران، نشر نو، ۱۳۶۸.
- صدری افشار، غلامحسین و دیگران، فرهنگ فارسی امروز، تهران، مؤسسه نشر کلمه، ۱۳۷۷.
- صفی‌پور، عبدالرحیم بن عبدالکریم، منتهی‌الارب فی لغة العرب، انتشارات کتابخانه سنایی، بی‌جا، بی‌تا.



- عسجدی، مینو، مقایسه‌ای بین تعارف در فارسی و لیما در چینی، مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس زبان‌شناسی نظری و کاربردی، دو جلدی، به کوشش دکتر سیدعلی میرعمادی، تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۰.
- غلامحسین زاده، غلامحسین، *ایران از نگاه فارسی‌آموزان خارجی*، تهران، مرکز بین‌المللی تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰.
- کولیور رایس، کلارا، *زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان*، مترجم دکتر اسدالله آزاد، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶.
- گابریل، آلفونس، *عبور از صحاری ایران*، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱.
- گوینو، کنت دو، *سه سال در ایران*، ترجمه ذبیح‌الله منصوری، تهران، مؤسسه مطبوعاتی فرخ، چاپ سوم، بی‌تا.
- مشیری، مهشید، *نخستین فرهنگ الفبایی - قیاسی زبان فارسی*، تهران، سروش، ۱۳۷۴.
- معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، ۶ جلدی، تهران، امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۶۳.
- نجفی، ابوالحسن، *فرهنگ فارسی عامیانه*، دو جلدی، تهران، انتشارات نیلوفر، ۱۳۷۸.
- نوردن، هرمان، *زیر آسمان ایران*، مترجم حسین سمیعی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۶.